

بازگشت قاتل وحید مرادی به ایستگاه اول تحقیقات



در ادامه پرونده مجدداً با اعتراض متهم به حکم صادره، پرونده به دیوان عالی کشور فرستاده شد که دیوان عالی کشور این بار نیز ایراداتی به پرونده وارد دانست و پرونده بابت رفع ایرادات به دادسرای امور جنایی تهران ارسال شد تا تحقیقات در این پرونده کامل شود.

راه قصاص محکوم کرد البته پرونده با اعتراض متهم به دیوان عالی کشور ارسال شد که دیوان عالی کشور، ایراداتی به پرونده وارد دانست و پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد تا تحقیقات در این پرونده کامل شود.

شروع شده بود. بعد هم کبری خوانی و بقیه ماجرا. در هواخوری که بودیم در نزاع شرکت نکردم. من وحید مرادی را فقط دورادور می شناختم. نامش را شنیده بودم و می دانستم خیلی شاخ است. اما با او روبرو نشده بودم و هیچ خصومت و درگیری‌ای با او نداشتم. هواخوری تمام شد و ما به بند برگشتیم. وحید مرادی و دوستانش طبقه بالای مادر یک‌بند دیگری بودند. یک‌دفعه پشت در بند ما آمدند و یکی از هم‌بندی‌های ما هم در را بساز کرد. آنها به ما حمله کردند. روی ما آب جوش و روغن داغ می ریختند. یکی از آنها روی من آش داغ پاشید و روی هم تیزی کشیدیم. دو عباو. قصد نداشتم او را بکشم، در آن دعوا من تیزی خوردم و ضربه هم زدم." پرونده قتل وحید مرادی، پس از صدور کیفرخواست، به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. چهارم دادگاه کیفری استان تهران، در بهمن ماه ۹۸، سعید

چند دوستان نیز حضور داشتند، حسین در آن مهمانی از من خبرداری کرد و گفت + را در لایو اینستاگرام قرار می‌دهد و از من خواست مقابل دوربین صحبت کنم. وی افزود من به حسین گفتم، به خاطر تعهد نمی‌خواهم از من بگیرد، او ناگهان فحش ناموس داد، من نیز که روی این مسائل حساس هستم، با هم درگیر شدیم و او و دو نفر دیگر را با چاقو زدم. قتل وحید مرادی در زندان وحید پس از بازداشت، به زندان رجایی شهر انتقال یافت تا اینکه ۱۱ تیر ۹۷ حین هواخوری در زندان رجایی شهر کربخه قتل رسید. بررسی‌های اولیه نشان داد که وحید مرادی با سلاح دست‌ساز داخل زندان (تیزی) و نه با چاقو با قمه به قتل رسیده است. کارآگاهان در ابتدا چند متهم را در پرونده قتل وحید مرادی شناسایی کردند تا اینکه "سعید" به عنوان متهم

زنی که هویش را کشت، هم‌دیه می‌دهد هم‌زندانی می‌شود

پسر و فرزند صدف را در خانه گذاشتم و فرار کردم. من به خانه برادرم در اصفهان رفته بودم که در آنجا بازداشت شدم. غزاله در ادامه به قضات گفت: صدف سابقه بیماری تشنج داشت و گمان می‌کنم به همین خاطر بعد از اینکه گلویش را فشار دادم، روی زمین افتاد و جان سپرد. رفتارهای صدف و شوهرم باعث شد در یک لحظه کنترل اعصابم را از دست بدهم. من راضی به مرگ او نبودم. حالا که در زندان هستم فرزند من و صدف پیش شوهرم هستند و شوهرم از آنها نگهداری می‌کند. من از قضات دادگاه تقاضای کمک دارم. در این هنگام قاضی از متهم پرسید چرا پسر ت را در خانه تنها گذاشتی؟ زن جوان در پاسخ گفت: در رسم ما نباید فرزند را بدون اجازه پدرش جایی برد. شوهر من هم به پسر علاقه زیادی داشت و دلش می‌خواست با او زندگی کند. من می‌دانستم که شوهرم حتماً از پسر مراقبت می‌کند. ضمن اینکه با خودم فکر کردم اگر بازداشت شوم حتماً پسر مرا همراهی می‌کند. من به همین خاطر تصمیم گرفتم بچه را در خانه بگذارم تا پدرش از او مراقبت کند. ضمن اینکه من منبع درآمدی نداشتم و وقتی به خانه برادرم رفتم باید خرجی خودم را هم برادرم می‌داد من نمی‌خواستم خرجی پسر مرا برادرم بدهد. سپس وکیل مدافع متهم در جایگاه قرار گرفت. او در جلسه دادگاه گفت: با توجه به اینکه رئیس قوه قضائیه درخواست دیه کرده است، خواهشمندم نسبت به مجازات عمومی موکلی نیز تخفیف قائل شوید. او گفت: موکل من با هدايت دادگاه صادقانه صحبت کرد و من درخواست دارم با توجه به صداقتی که موکل به خرج داده است، دادگاه نسبت به او تخفیف قائل شود. در پایان جلسه قضات وارد شور شدند و با توجه به درخواست رئیس قوه قضائیه، متهم را به پرداخت دیه و سه سال زندان با احتساب ايام بازداشت محکوم کردند.

صحبت‌های رئیس دادگاه و تشویق متهم به بیان حقیقت موجب شد زن ۳۰ساله به تشریح جزئیات ماجرا بپردازد. غزاله گفت: من و همسر شش سال با هم زندگی کردیم و صاحب یک فرزند پسر بودیم. چهار سال قبل از این ماجرا یک روز شوهرم برای اولین بار صدف را به خانه آورد و گفت او همسر دومش است. صدف آن زمان باردار بود که شوهرم گفت باید با او در یک خانه زندگی کنیم. من از شنیدن حرف‌های شوهرم شوکه شده بودم، اما مجبور شدم کنار صدف به زندگی ام ادامه دهم. حدود چهار ماه بعد صدف فرزندش را به دنیا آورد، اما شوهرم مدعی بود نوزاد تازه متولدشده فرزند او نیست. باین حال شوهرم فرزند او را دوست داشت و به او محبت می‌کرد. شوهرم به من و پسر بی‌اعتنا بود ولی به صدف علاقه داشت و همیشه بارش خرید می‌کرد. هویم زندگی من را به هم ریخته بود و همه وسایل من را خراب می‌کرد. صدف حتی یک شنباق هم از خودش نداشت و لباس‌ها و وسایل من را استفاده می‌کرد. این زن ادامه داد: صدف بارفتارهایش باعث شده بود شوهرم همیشه من و پسر مرا کتک بزند و شکنجه کند. دنیا به کام ما تلخ شده بود اما چرا می‌نذاشتم. صدف بارفتارهایش مرا آزار می‌داد. او با حرف‌هایی که می‌زد، شوهرم را تحریک می‌کرد. در باره من و پسرم دروغ می‌گفت و شوهرم را به جان ما می‌انداخت و باعث می‌شد که کتک بزنم. شوهرم حتی پسر مرا که تنها فرزندش بود و او را خیلی دوست داشتم، به خاطر حرف‌های صدف کتک می‌زد. آخرین بار پسرم با فرزند صدف مشغول بازی بود اما صدف یکبار پسر مرا کتک زد و گفت پسر فرزند او را ذیت کرده است. من که از رفتارهای صدف کلافه بودم، در یک لحظه کنترل اعصابم را از دست دادم و روسری را دور گردنش پیچیدم و او را خفه کردم. وقتی صدف روی زمین افتاد، نبضش هنوز می‌زد که

گروه حوادث - دادگاه کیفری استان تهران زنی را که در یک رقابت هویش را به قتل رسانده بوده به حبس و پرداخت دیه محکوم کرد. این زن در جلسه دادگاه گفته بود تحت تأثیر پدرفتاری‌های هویش دست به جنایت زده است. رئیس قوه قضائیه از طرف فرزند صغیر قربانی درخواست دیه را مطرح کرده بود. رسیدگی به این پرونده از یک سال قبل به دنبال کشته شدن زن جوانی به نام صدف در خانه‌ای در جنوب تهران آغاز شد. شوهد نشان می‌داد این زن به‌دست هویش به نام غزاله خفه شده و غزاله به مکان نامعلومی گریخته است. جسد با دستور قضائی به پزشکی قانونی منتقل شد و همسر او تحت بازجویی قرار گرفت. مراد ۳۷ساله گفت: من و غزاله چند سال با هم زندگی کردیم تا اینکه صدف را به‌عنوان زن دوم گرفتم، اما آنها مدام با هم اختلاف داشتند و شک ندارم غزاله زن دوم را کشته و گریخته است. آنها چند بار با هم دعوا کرده و همدیگر را کتک زده بودند. روز حادثه هم با هم دعوا کردیم. بسا اطلاعاتی که این مرد به پلیس داده بود، غزاله در خانه برادرش در اصفهان ردیابی و بازداشت شد. به قتل هویش اعتراف کرد. این زن در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران پای میز محاکمه ایستاد. او را دادگاه بر خلاف اظهارات اولیه‌اش ارتکاب قتل را انکار کرد و مدعی شد از نحوه کشته شدن هویش و به آتش کشیده شدن جسد او اطلاعی ندارد. اما رئیس دادگاه به او گفت حالا که رئیس قوه قضائیه از طرف فرزند صغیر قربانی درخواست دیه را مطرح کرده بهتر است حقیقت را بگویند. در غیر این صورت تا فاش‌سازی واقعتی در زندان خواهد ماند.

مرد بیمار آبروی زنش را برد!

تازه متوجه شدم برخلاف ادعاهای همسرم در مراسم خواستگاری، او اعتقادات مذهبی ضعیفی دارد و به هیچ کدام از تقالید دینی پایبند نیست. تلاش‌های من نیز برای تغییر او فایده‌ای نداشت. به همین دلیل در حالی مجبور به جدایی از او شدم که هنوز چند ماه بیشتر از دوران نامزدی مانده بود. بعد از این ماجرا تصمیم گرفتم تحصیلاتم را در دانشگاه هنر به پایان برسانم و وارد بازار کار شوم اما در همین روزها با مردی در همان دانشگاه آشنا شدم که بیشتر در مکان‌های مذهبی مشغول فعالیت بود. وقتی "جمال" به من ابراز علاقه کرد، خیلی زود جذب او شدم چرا که اعتقادات مذهبی موجب طلاق من از همسر اولم شده بود و حالا با دیدن رفتارهای مذهبی جمال به او دل‌باختم. بسا آن که هیچ کدام از خانواده‌ها راضی به این ازدواج نبودند اما من بسیاری ازدواج با او لحظه شماری می‌کردم تا این که بالاخره چند ماه بعد، این ازدواج صورت گرفت و ما زندگی مشترکمان را آغاز کردیم ولی یک سال بعد از این ماجرا متوجه شدم همسرم برای ارتقای جایگاه شغلی خودش تلاش می‌کند تا برای همکاریانش پاپوش درست کند تا آن‌ها از مقام شان برکنار شوند. چند بار این موضوع را به جمال گوشزد کردم و او خواست دست از این رفتارش بردارد ولی خانواده‌اش نه تنها از من تعهد گرفتند که در امور مربوط به همسر دخالت نکنم بلکه ۲۰روز مرا

گروه حوادث - زن مطلقه وقتی برای بار دوم عاشق شد نمی‌دانست شوهرش در ارتباط با زنان دیگر به ایدز مبتلا شده است. ایدز بیماری است عفونی که از طریق روابط پرخطر ایجاد می‌شود. هنوز هیچ واکنشی در دنیا برای مقابله با بیماری ایدز ابداع نشده است. بیماری ایدز بیشتر در افرادی بروز پیدا می‌کند که معتاد هستند. البته زن و مردان خیابانی که روابط نامشروع دارند نیز به ایدز مبتلا می‌شوند برخی زنان و مردان قربانی هو سرسانی‌های همسران خود شده و به ایدز مبتلا می‌شوند. هر روز بر تعداد افرادی که با شماره تلفن همراه تماس می‌گرفتند و تقاضای روابط غیراخلاقی داشتند افزوده می‌شد. همه زندگی ام به هم ریخته بود و نمی‌دانستم این ماجرا از کجا سرچشمه می‌گیرد تا این که فهمیدم شماره تلفن من در یک کانال تلگرامی با عنوان «دختری خلافکار» ثبت شده است اما زمانی مات و مبهوت ماندم که ... این‌ها بخشی از اظهارات زن ۲۰ساله است که برای شکایت از همسرش به کلانتری مهرگان مشهد مراجعه کرده بود. این زن جوان که مدعی بود همسرش حیثیت و آبروی خانوادگی او را بر باد داده است، در باره این حادثه شرم آور و سرگشت خود به کارشناس اجتماعی کلانتری گفت: در خانواده‌ای بسیار مذهبی رشد کرده‌ام و در ۱۸سالگی پای سفره عقدنشستم. نامزد فردی تحصیل کرده و خانواده‌دار بود اما چند ماه بعد از برگزاری مراسم عقدکنان

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

خدمات

خدمات برق
انجام کلیه امور برق ساختمان و پروژه های شما - کلی و جزئی
۰۹۱۲۰۴۵۹۱۹۸

خدمات تاسیسات آب و لوله کشی جزئی و کلی مجتمع های اداری مسکونی - خدماتی - تجاری
۰۹۳۴۷۶۹۳۶۲۴ رضایی

تدریس خصوصی

تدریس خصوصی دروس ریاضی، فیزیک و شیمی از پایه نهم تا دانشگاه توسط استاد مجرب با ۸ سال سابقه تدریس به همراه کلاسهای امادگی تست کنکور شیمی توسط مهندس شیمی با نازلترین قیمت و یادگیری تضمینی
۰۹۳۶۲۶۰۴۲۸۱

صنایع چوب

صنایع چوب خسروی
درب ارزان شد HDF ۸۵۰ تا
ملا مینه ۹۵۰ تا
۰۹۳۹۱۹۴۰۰۲۵ - ۷۶۹۲۹۶۹

صنایع چوب حلاج کیش

کلیه سفارشات
MDF، چوبی
دکوراسیون غرفه و منزل
تلفن ۷۶۹۸۲۵۲

لوازم خانگی

تخفیف باورنکردنی ۵ تا ۳۵٪
لوازم خانگی، مبلمان، تخت، تشک
اقساط بی بهره ۷۶۹۱۷۹۵

فروش کتاب

حدود ۶۰۰۰ جلد کتاب رمان ایرانی و خارجی قدیمی که از این تعداد حدود ۵۰۰ جلد گالینگور است و کتابهای آموزش داستان نویسی، رمان نویسی و کتابهای تاریخی و مرجع. اکثر کتابها قدیمی و نایابند
ثمره ۴۰ سال کار و تجمیع کتابهای تخصصی داستان و رمان و آموزش داستان و رمان نویسی و کتابهای مرجع، قفسه ها شخصی ساز و سفارشی مناسب برای کتابخانه ها و اشخاص خیر و اهل مطالعه برای اهدا به کتابخانه های مناطق محروم فروش با قفسه ها یا بدون قفسه به هیچ وجه تکی یا انتخابی نیست فقط یکجا به علت جابه جایی قابل ارسال به تمام نقاط کشور
۰۹۱۲۳۷۳۱۷۳۷

رهن و فروش

مشاور امین ملکی شما
در جزیره زیبای کیش
۰۹۳۳۶۷۵۰۹۱۴ عمرانی

استخدام

خانم کارمند امور اداری جهت کار در یک شرکت استخدام می‌شود. متقاضیان به نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک ۳ طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. تلفن تماس ۴۴۴۲۴۹۹۹

استخدام منشی عصر

آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است. متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. ساعت کار: بعدازظهر (۲ تا ۹ شب) شماره تماس: ۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

حمل بار

حمل و جابجایی کالا
با ۶ چرخ در سطح جزیره
۰۹۳۴۷۶۹۴۷۲۰

اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی تجاری، اداری، پروژه هاو ...
با مه پاش های سرد - فوری

ضد عفونی

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش

